سر مقاله

بسم الله الرحمن الرحیم

۱. یک مجموعه (سیستم) وقتی شکل می‌گیرد که نکاتی در آن رعایت شود، از جمله:

یک. تعریف دقیق و علمی و کارشناسانه از تمام اجزاء و عناصر سازندهٔ آن، محدوده و کارکرد و جایگاه هر کدام و ...

دوم. مراقبت مداوم بر این مطلب که هر جزء و عنصر در همان چارچوب تعیین شده عمل کند نه بیشتر یا کمتر.

سوم. نگاه بیرونی به هر جزء و عنصر، به اندازهٔ همان حدود و همان محدوده‌اش باشد، یعنی توقّعی که افراد از او دارند، در چارچوب آن تعریف دقیق آغازین باشد، نه کم و نه بیش.

این چرخه در هر مرحله که گرفتار اختلال شود، دستیابی به اهداف آن مجموعه به اختلال می‌افتد.

۲. اعتدال، مقوّم اصلی چنین نگرش نظام‌مند به چنان مجموعه‌ای است. افراط و تفریط در توجّه به هر جزء و هر بخش از مجموعه، به کارکردِ آن مجموعه زیان می‌رساند، تا آنجا که گاهی تمام مجموعه را بدنام می‌کند و انگیزهٔ دیگران را برای توجّه به آن می‌کاهد.

اعتدال با عدالت همریشه و همراه است. اعتدال یعنی نگاه مبتنی بر عدالت، که الزاماً به معنای تساوی نیست. یعنی که عدالت بدون اعتدال، هرگز شکل نمی‌گیرد. پاسداشت عدالت در تک تکِ اجزاء مجموعه مستلزم نگرش به آن اجزاء بر اساس اعتدال است، یعنی بر اساس اهدافی که از پیش تعیین شده، نه کم و نه بیش.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.15.59.1.0]

۳. خروج از اعتدال، به افراط و تفریط می‌انجامد و غلوّ و تقصیر را در پی دارد؛ یعنی در چنان حالتی دست‌کم برخی از اجزاء در جای خود نمی‌ماند. نکتهٔ مهم این است که خروج یک جزء و یک عضو مجموعه از کارکرد اصلی آن، اعتدال تمام مجموعه را تهدید می‌کند، یعنی به عدالت آسیب جدّی می‌رساند.

پس ظلم به یک عضو مجموعه، ظلم به تمام مجموعه را در پی دارد، در کوتاه مدّت یا دراز مدّت، و این پیامد محسوس باشد یا نامحسوس. اگر پیامدهای ظلم به تمام مجموعه در بازهٔ زمانی محدود آشکار نشود یا به چشم نیاید، به این معنا نیست که ظلم، اثر منفی نداشته است.

با این واقعیت تلخ، بارها مواجه شده‌ایم، در شؤون و فضاهای مختلف. گاه با دقّت به آن نگریسته‌ایم و گاه بدون توجّه، از کنار آن گذشته و چشم بر آن بسته‌ایم.

٤. پس هر گونه افراط و تفریط، مصداقی - آشکار یا پنهان - از ظلم است. بر این اساس، تعریف ظلم به «تنقیص در رعایت حدود یک شیء» با تعریف عدالت به «قرار دادن هر شیء در موضع خود» همبستگی و پیوندی دیدنی می‌یابد.

طبعاً غلوّ و تقصیر در حقّ هر عضو و هر جزء مجموعه، نوعی ظلم به آن به شمار می‌آید. در این حال، توجّه افراطی به فرد اول، همان گونه ظلم به او است که کم‌توجّهی به فرد دوم.

مثلاً توجّه افراطیِ بی‌دلیل و بی‌منطق که پدری در حقّ یکی از فرزندانش نشان دهد، نه تنها ظلم به فرزند دیگر است که به او کم‌توجّهی شده، بلکه بیش از آن ظلم به فرزندی است که مورد عنایت افراطی بوده است. نگاه ظاهری و سطحی کم‌توجهی را ظلم می‌بیند نه توجه افراطی را، در حالی که انسان ژرف نگر به درستی می‌بیند که هر کدام از این افراط و تفریط‌ها، ظلم به هر یک از این فرزندان، و نهایتاً ظلم به مجموعهٔ خانواده است.

٥. «عدل» با این توضیح، پیوندی ناگسستنی با «عقل» دارد، چنانکه «ظلم» با «جهل» (جهل در اینجا به معنای اصلی آن مورد نظر است، یعنی ضدّ عقل، نه معنای فرعیِ آن که در برابر علم است).

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.15.59.1.0]

ژرفای کلام علوی را در اینجا می‌توان یافت که فرمود: «لا یُری الجاهل إلّا مُفرِطاً أو مفرّطاً» (نهج البلاغه، حکمت ۷۰). نیز در آنجا که پیامبر فرمود: «بالعدل قامت السماوات و الأرض» (غوالی اللئالی ج ٤ ص ۱۰۳)، گستره‌ای فراتر از عدالت اجتماعی دارد. چنانکه گسترهٔ عقل و محوریّت آن در تمام ارکان و ساحتهای مادّی و معنوی با این نگرش معنایی روشن می‌یابد.

٦. «دین» مجموعه‌ای است نظام‌مند، منسجم و هدفدار، که واضع آن، خدای متعال، تمام اجزاء و عناصر این مجموعه را حکیمانه مشخّص کرده و محدوده و کارکرد و هدف و برنامهٔ هر یک از اعضاء و اجزاء آن را به روشنی بیان داشته است؛ به گونه‌ای که عدول از هر مورد، ظلم به تمام آن موارد است. این جملهٔ بسیار دقیق و خردپسند، از امام امیرالمؤمنین علیه السلام رسیده است: «ان الله .... حدّ لکم حدوداً فلا تعتدوها» (خصائص الائمه، ص ۹۷) و از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «إنّ للقرآن حدوداً کحدود الدار». (مشکاة الانوار، ص ۱۵۳)

محدودهٔ هر خانه روشن است و کمترین تعدّی به یک خانه، ظلمی آشکار در پهنهٔ زندگی فردی و اجتماعی است. دین نیز چنین است؛ محدود است به حدودی که خدای حکیم معیّن فرموده و دیگران – عالِم باشند یا عامی – در عرصهٔ تعیین این حدود، هیچ نقشی ندارند. اصرار بر نفی قیاس و بدعت و رأی شخصی در دین خدا، برای تأکید بر این حقیقت است.

۷. پیامبری معصوم که از طرف خداوند حکیم، دین مبین را برای ما به ارمغان آورده، ما را پس از خود به دو مرجع سپرده که باید توأمان به این دو بازمانده توجّه کنیم: قرآن و عترت. توجّه افراطی به هر کدام از این دو، نه تنها ظلم به طرف مقابل، بلکه ظلم به تمام مجموعه – یعنی تمام دین – است. غلوّ و تقصیر در بارهٔ هر یک، آفات و زیانهایی جبران ناپذیر در پی دارد، کوتاه مدّت یا دراز مدّت، محسوس یا نامحسوس.

آسیب هایی که از این ناحیه بدان گرفتار آمده‌ایم، به سیاهه‌ای دراز دامن نیاز دارد که در این قلم انداز مختصر نمی‌گنجد.

۸. دریغا و دردا! که ما هر بار «تقصیر در حقّ یک طرف» را اندیشه و رفتار فردی یا

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.15.59.1.0]

گروهی یا رویکردی دیدیم، به جای دعوت او به اعتدال و تعقّل، راهکار «غلوّ در حقّ آن طرف» را برگزیدیم و این روش را یاری مظلوم دانستیم. ما به خطا می‌پنداریم که «حقّ ضایع شده» بدین سان احقاق می‌شود و ظلمی که در بارهٔ او شده، بدین شیوه جبران‌پذیر است.

اما در واقع با این روشهای غلط به تمام مجموعهٔ دین ستم روا می‌داریم، با تعریف‌ها و توصیف‌های غلط که از آن ارائه می‌کنیم و حقیقت را وارونه به دیگران نشان می‌دهیم.

۹. یکی از علل و عوامل پیدایش «قرآن‌بسندگی» در حدود دو قرن پیش – بلکه احیای این رویکرد فراموش شده که در صدر اسلام رخ نموده و به محاق رفته بود – حدیث‌گرایی افراطی مردم آن زمان بود؛ آن هم حدیث بر مبنای میراث حدیثی مکتب خلفا، که تضاد آشکار آن با عقل سلیم و قرآن کریم و مسلّمات تاریخ بر هیچ اندیشمند منصف پوشیده نمانده و نمی‌مانَد. پیشگامان رویکرد قرآن بسندگی در دیار تسنن (مانند مصر و هند) در برابر این مشکل فرهنگی، به جای گره‌گشایی مجامیع حدیثی خود، به کلیّت حدیث پشت پا زدند و توجه افراطی به قرآن را حرمت‌گزاری خود به قرآن پنداشتند. بدین سان، ظلم نسبت به هر دو رکنِ مورد اشارهٔ رسول خدا را مرتکب شدند.

خروج از آیین روشن عدالت و اعتدال، و فرو غلتیدن به دامچالهٔ غلوّ و تقصیر یا افراط و تفریط، پیامدهایی زیانبار دارد که آسیبهایش دامنگیر ما هم شده و می‌شود.

۱۰. فصلنامهٔ سفینه این شماره را نیز – مانند دو شماره پیش – به این مهم اختصاص داده تا بار دیگر، توجّه همگان به ویژه اهل نظر و پژوهشیانِ دغدغه‌مند را به آیین روشن عدالت و اعتدال جلب کند. در مقالات این شماره نیز کوشش بر آن است که نشان دهیم «خطا را با خطا پاسخ گفتن» و «ستم را به ستم برگرداندن» ما را به ورطه‌ای می‌افکند که برخی از گره‌های کور فعلی جهان اسلام، تنها برخی از پیامدهای آن است.

از بن دندان بر آنیم که از این گونه رویکردهای غلط و یک سو نگرانه باید دست برداشت، بلکه باید همگان را نسبت به آثار زیانبار آن هشدار داد. امید می‌بریم که بدین طریق، راه برای

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.15.59.1.0]

پذیرش منجی دین و محییِ کتاب هموارتر شود؛ یعنی «خاتم عترت و روح قرآن»، واپسین حجت معبود، امام امم مهدی موعود عجل اللّه تعالی فرجه، که برای احیای آموزه‌های الهی و پیراستن آنها از پیرایه‌های تحریف معنوی و غلوّ و تقصیر، گامی استوار پیش می‌نهد و چنین آموزه‌هایی را نه تنها می‌شناساند، بلکه تحقق می‌بخشد.

هشتمین حجت خدا، امام علی بن موسی الرضا سلام اللّه علیه، برای فرارسیدنِ چنین روز شکوهمند، دعایی به جناب یونس بن عبدالرحمان آموخت که ضمن آن به درگاه الهی عرضه می‌دارد:

«اللهم اسلک بنا علی یدیه منهاج الهدی و المحجة العظمی و الطریقة الوسطی، التی یرجع إلیها الغالی و یلحق بها التالی.» (مصباح المتهجّد، ج۱ ص ٤١١)

بادا که برای رسیدن به چنین بامداد روشن، از پای ننشینیم و در این راه، هماره بکوشیم؛ با این امید که به جان و درون، هماره بگوییم: «ألیس الصبح بقریب؟»

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.15.59.1.0]